

آیا در عراق جنگ اجتناب ناپذیر بود؟

هادی پاکزاد

هدف از پاسخ به این پرسش، مقصود جدی تری را در نظر دارد: آیا در این آغاز سده‌ی بیست و یک، که تنها نزدیک به شش سال از عمرش گذشته است، این بشریت مانده از چند هزار سال تاریخ نانوشته که به تعداد انسان‌های آمده‌اش تجربه آموخته است، می‌تواند تدبیری اتخاذ کند تا برای همیشه بساط جنگ و کشتار را به‌خاطره‌هایی وحشتناک از وحشی‌گری‌های انسان‌های عقب‌مانده‌ی گذشته بسپارد و شر آن را از سر بشریت حال و آینده به‌دور افکند؟

هدف دیگری که از طرح این پرسش در نظر است پرداختن به مقوله‌ی جنگ‌هایی که به‌ظاهر قرار است مشابه با آنچه در افغانستان و عراق به‌وجود آورده شد، در دیگر کشورها هم، مانند کره‌ی شمالی، سوریه، ایران و... شعله‌ور شود تا هدف‌ها و استراتژی دراز مدت امپریالیست‌ها که همان بلعیدن همه‌ی جهان است تحقق یابد. پرسش این نوشته می‌خواهد این موضوع باشد که آیا امکان جلوگیری از این جنگ‌ها وجود دارد و یا این که امپریالیست‌ها مرحله به‌مرحله در راستای رسیدن به هدف‌های خود می‌توانند به‌پیش روند و موفق هم بشوند؟

این باور صحیح نیست که امپریالیست‌ها، که نمود وحشی‌اش امپریالیست‌های آمریکایی هستند، از همه‌ی توانایی‌ها برای رسیدن به همه‌ی مقاصد خود برخوردارند و می‌توانند با تمامی اهرم‌های نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... که در اختیار دارند، هرکاری را انجام دهند. واقعیت این است که آن‌ها برای به‌تحقق رساندن هدف‌های فوق انحصارطلبانه‌شان ناگزیر هستند تا شرایط و بسترهای مناسبی را در مناطق هدف فراهم آورند و با برآوردهای سنجیده وارد عمل شوند تا با کم‌ترین هزینه‌ها موفق به پیشبرد

مقاصد خود شوند. امپریالیست‌ها به تجربه آموخته‌اند که برای به‌راه انداختن یک جنگ، اگر بهانه‌های لازم و مقبول برای مردم کشور خود و دیگر ملت‌های درگیر را به‌وجود نیاورند، مردم کشور خود و دیگر ملت‌های درگیر به راحتی هزینه‌های جنگ را پرداخت نمی‌کنند. به همین دلیل کلیدی است که باید و بی‌تردید برج‌های دوقلو در نیویورک، خیلی منظم و حساب شده فرو ریزند و پدیده‌ای به نام «تروریسم» برای مردم آمریکا و دیگر کشورهای عاشق دموکراسی به صورت کابوسی از ترس و وحشت درآید تا امپریالیست‌های غارت‌گر جهانی به فکر نجات مردم کشورهای خود و دیگر ملت‌ها برآیند.

امپریالیست‌ها با تمام قدرت‌های اقتصادی و نظامی که دارند نمی‌توانند و قادر نیستند بدون فریب ملت‌های خود و دیگر ملت‌های جهان آتش جنگی را، در این عصر فراگیر اطلاعات جهانی، به‌راه اندازند. هرگز و تاکنون از هیچ فوق‌انحصارگر جهانی شنیده نشده است که علنی فریاد برآورد که می‌خواهد جهان را بیچاید. آن‌ها نمی‌گویند که مامی خواهیم همه را ببلعیم، ولی در ذات غیرقابل تغییرشان جز چپاول و غارت، جنگ و نکبت چیز دیگری را نمی‌توان سراغ گرفت. آن‌ها کم‌ترین کاری با فقر نسبی دو سوم مردم این کره‌ی خاکی ندارند. آن‌ها از گردش مالی مواد مخدر که هم‌ردیف و یا بیش از گردش مالی درآمدهای نفت در جهان است، متأسف و اندوهناک نیستند. آن‌ها کاری به نسبت رو به افزایش معتادان در سراسر جهان ندارند؛ زیرا امپریالیست‌ها نیک می‌دانند که همین گردش نجومی مالی مواد مخدر است که کیسه‌های پرناشدنی آنان را باد کرده‌تر می‌کند و مردم را نیز هرچه بیش‌تر فرو رفته‌تر در خواب می‌سازد.

امپریالیست‌ها برای اجرای مقاصد استراتژیک خود که همانا به‌راه انداختن جنگ‌های پیوسته‌ی نوبت به نوبت در کشورهای هدف است، نیاز به قبول و پذیرفتن افکار عمومی دارند. آنان بدون اقبال افکار عمومی که به وسیله‌ی نظریه‌پردازان امپریالیست‌ها طراحی و ساختارسازی و سازماندهی می‌شود، نمی‌توانند از هدف‌های خود در راه‌اندازی جنگ‌ها موفق شوند.

در جنگ افغانستان، وجود طالبان ضروری بود. لازم بود تا تروریسم با نابودی آن برج‌های بلند، خود را به‌طور عینی به جهان معرفی کند. در جنگ عراق وجود صدام، متجاوز به کشورهای منطقه، ضرورت داشت تا با ایجاد بهانه‌ی وحشت از صدور

تروریسم و امکان دسترسی تروریست‌ها به بمب اتمی، خواب راحت را از مردم آمریکا و اروپا بگیرد. امروز در ایران و دیگر کشورهای هدف، امپریالیست‌ها به دنبال بهانه‌های مشابه می‌گردند و تلاش دارند تا به حساب افکار عمومی مردم خود و جهان، جنگ دیگری را تحویل بشریت دهند تا هم‌چنان اسلحه‌ها فروش روند، کارخانه‌های وسایل آدم‌کشی از حرکت باز نمانند، تا تمامی ملت‌های جهان به صورت برده‌های داوطلبانه‌ی کار برای امپریالیست‌های متجاوز و غارت‌گر جهانی به خدمت گرفته شوند.

امروز همگان از رخدادهای عراق آگاهند. عراق، با بیش از یکصد هزار کشته که روز به روز بر تعداد آن افزوده می‌شود، اسیر آمریکا و متحدانش شده است. در این سه سالی که از اشغال عراق گذشته است، آن تغییر موردنظر آمریکا در جهت مبارزه با تروریسم و حرف‌هایی در این ردیف، نه تنها به وجود نیامده است بلکه همه‌ی آن حرف‌ها، پوچی آن‌ها را اثبات کرده است: تروریسم لجام گیسخته بیش‌تر و بیش‌تر رشد کرده و آدم‌کشی روزانه به صورت امری عادی و طبیعی درآمده است. مردم عراق دارند با بسیاری از کمبودهای زیست که پیوسته جان کودکان و زنان و مردان را در خطر ملموس نابودی قرار داده است به سر می‌برند. آنان علاوه بر نبود آب سالم، برق و دیگر نیازهای ضروری، ناگزیر شده‌اند خود را همیشه درون ترس و وحشت از آدم‌کشان داخلی و خارجی احساس کنند. همه‌ی این‌ها، به‌خاطر این است که دسیسه‌ی امپریالیست‌ها در راه‌اندازی این جنگ نافرجام برای مردم عراق - به‌ویژه - نافرجام برای مردم جهان با موفقیت روبه‌رو شد، زیرا رهبری عراق که مردمش سال‌های سال در زیر بار اختناق و دیکتاتوری توان‌ارایی وجود و حضور در عرصه‌ی جامعه‌ی خود را نداشتند، نتوانست خود را در خدمت‌گزاری خواسته و یا ناخواسته به امپریالیست‌ها بیگانه سازد. رهبری عراق در راستای هدف‌های امپریالیست‌ها گام برداشت و توانست به آن‌ها بهانه‌های لازم را بدهد تا در نتیجه، کار به جایی رسید که خود و ملت عراق را به نابودی و عقب‌ماندگی فاحش کشانید.

حال که آمریکا چنین پروژه‌ای در رابطه با دیگر کشورهای هدف در دستور کار دارد، چه باید کرد؟ به بیان دیگر عراق چه می‌توانست بکند؟ آیا عراق باید هشیار می‌بود و مخفیانه خود را به سلاح اتمی مجهز می‌ساخت؟ آیا تلاش می‌کرد تا انواع و اقسام سلاح‌های بازدارنده را به دست آورد؟ آیا مانند کشور لیبی به آمریکا باج می‌داد و

توبه‌نامه می‌نوشت و خود را از شر این نکبتی که دامن‌گیرش شده بود رها می‌کرد و با خیالی آسوده مجوز چاپیدن ملت خود را از اربابان آمریکایی و اروپایی می‌گرفت؟... و آیا صدام فکر می‌کرد زورش بر آمریکا و متحدانش می‌چربد و می‌خواست رابین‌هود خاورمیانه شود؟! و یا اندیشه داشت که در میان ملت‌های خاورمیانه و ملت عراق آن‌چنان مقبول و محبوب است که همگان را زیر نفوذ رفتار و عمل دن‌کیشوت مآبانه‌ی خود قرار خواهد داد؟ ده‌ها دست از این پرسش‌ها به‌ذهن می‌آید که همگی می‌توانند برای ملت‌ها و رهبران آن‌ها که دور و نزدیک این هدف امپریالیست‌ها قرار گرفته‌اند مورد توجه و دقت واقع شوند.

واقعیت چنین است که هیچ‌کدام از گزینه‌های فوق و هیچ‌کدام از گزینه‌هایی در ردیف موارد بالا نمی‌تواند، در عصر یورش بی‌رقیب امپریالیست‌ها برای جهانی‌سازی که همان غارت و چپاول ملت‌هاست، موثر واقع شود. با درک این واقعیت که دانسته شده است این امپریالیست‌ها نیستند که بهای هر جنگ و فتنه‌ای را پرداخت می‌کنند، بلکه این ملت کشورهای مورد تهاجم و ملت کشورهای امپریالیستی هستند که پرداخت‌کننده‌ی تمام هزینه‌های مادی، جانی و معنوی جنگ‌های این‌چنینی خواهند بود. پس، از این رو ایجاد نیروهای بازدارنده‌ی محدود که نمی‌تواند فراتر از امکان کشورهای مورد تهاجم باشد دردی را در رابطه با درگیری با کشورهای امپریالیستی‌ها، که تلاش دارند با وحدت عمل وارد عرصه‌ی کارزار شوند، دوا نمی‌کند.

با تمام این اوصاف تردید نباید کرد که منظور از نگارش فوق، نه سازش با امپریالیست‌ها است و نه بهادادن به‌توان و قدرت آن‌ها در مبارزه‌ی به‌حقی که ملت‌ها در عصر ژاژخواهی امپریالیست‌ها با آن درگیر و روبه‌رو شده‌اند. این نوشته تلاش دارد، در صورت باور به‌درک صحیح از همبستگی و وحدت ملی، بهترین گزینه‌ی مبارزه با امپریالیست‌ها را بیاید تا برآیند آن موفقیت ملت‌های زیر ستم جهان، آغازگر گونه‌ای از مبارزه در این دوران پُر تنش جهانی باشد:

دلایل امپریالیست‌ها برای حمله به کشورهای هدف چه چیزهایی است؟ یکی داشتن و یا تلاش برای داشتن سلاح‌های مخرب کشتار جمعی است که در صدر آن‌ها بمب‌های اتمی است. دوم کمک به گروه‌های تروریستی، البته با تعریف‌هایی که خودشان از این گروه‌ها دارند. سوم ابراز عدم اعتماد به این کشورها در رابطه با بی‌ثبات کردن کل جهان

است که به نظر آن‌ها این کشورها هر لحظه ممکن است آشوبی به وجود آورند که از کنترل اربابان جهانی خارج شود و جهان و یا بخشی از آن را به نابودی بکشاند. این‌ها کلی‌ترین و عمده‌ترین دلایل امپریالیست‌ها برای تهاجم به کشورهای هدف است که باکمال تاسف همین امپریالیست‌ها موفق بوده‌اند تا در مواردی نظیر افغانستان و عراق برای دلایل خود مستمسک‌های لازم را به وجود آورند و به‌طور نسبی مردمانشان را نیز متقاعد کنند.

اکنون سخن این است که آیا وسایل لازم و کافی وجود دارد که بر بطلان این دلایل امپریالیست‌ها مهر تایید بگذارد؟ چرا که اگر چنین وسایلی باشد و بتوان آن را به خدمت گرفت، نه تنها امپریالیست‌ها در اثبات دلایل خود به ملت‌های جهان دچار مشکل شده و در عمل قادر نخواهند شد تا بر طبل جنگ بکوبند بلکه به‌کارگیری آن وسایل با چنین کارایی‌اش، ملت‌های جهان را به‌سوی محاصره‌ی هر چه بیش‌تر امپریالیسم جری‌تر و متمایل‌تر خواهد کرد. که البته همه‌ی این فرآیند به‌گونه‌ای پیش خواهد رفت که این‌بار توپ به‌زمین کشورهای متجاوز خواهد افتاد و تنها تفاوتش با گذشته در این است که ملت‌های سده‌ی بیست و یکمی دیگر با جنگ‌های نیروهای مولدکش، باد امپریالیسم را خالی نمی‌کنند.

این وسایل که بتوان با آن دست امپریالیست‌ها را رو کرد و آن‌ها را به‌عقب‌نشینی واداشت و جهان را به‌سوی تمدن ذاتی بشری‌اش به‌پیش‌برد چیست؟ این وسایل چیزی نیست جز همان ابزارهایی که امپریالیسم آن‌ها را برای تحمیق خلق‌ها به‌کار می‌گیرد ولی ما می‌توانیم از آن‌ها در راستای رشد و پویایی همه‌ی مردمان جهان بهره‌گیری کنیم: آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، سازمان ملل متحد، نهادهای پرشمار وابسته به‌سازمان ملل، NGOهای مستقل که در تمام حوزه‌های امور بشری فعال هستند و...

شیوه‌ی استفاده از این وسایل نه تنها مشکل نیست بلکه بسیار کارا و پرترفدار نیز هست. برای نمونه اگر صدام حسین و سازمان رهبری عراق به‌جای این‌که جهانی را بی‌جهت با خود رودررو و با کارهایش مجوز حضور نظامی آمریکا را صادر کند، نظریه‌ی نظارت کشورها و سیله‌ی سازمان ملل را می‌داد و خود به‌عنوان نخستین کشور، بررسی همه‌جانبه‌ی آن نهاد جهانی را در رابطه با نحوه‌ی اداره‌ی کشورش می‌پذیرفت، آیا آمریکا می‌توانست به‌کشور عراق حمله کند؟ آیا همه‌ی این وقایع پس از اشغال عراق آن

هم پس از ده‌ها هزار کشته و میلیاردها دلار خسارت مالی به مردم عراق و دیگر کشورهای درگیر، اکنون رخ نداده است؟ تنها فرقی این است به جای این‌که سازمان ملل بر اداری عراق نظارت داشته باشد، آمریکا و متحدانش دارند آن کشور را اداره می‌کنند و تمام نیروهایی که صدام به آن‌ها اجازه‌ی حضور در جامعه‌ی خودشان را نمی‌داد، امروز مجبور شده‌اند که با نیروهای آمریکایی برای اداره‌ی کشور خود همکاری کنند.

نظریه‌ی نظارت کشورها به وسیله‌ی سازمان ملل، هرگونه شک و تردید را برای همه‌ی کشورها در رابطه با نیت‌های پنهانی هر کشوری بی‌پایه می‌سازد. زیرا کشوری که پای‌بند اصول و میثاق‌های سازمان ملل است، هیچ‌گونه وحشتی از هیچ نیرویی، چه داخلی و چه خارجی، نخواهد داشت. چرا که این سازمان ملل متحد است که وظیفه دارد کشورهای خاطی را سر به راه کند و پاسخ هر تجاوز احتمالی را بدهد.

در این زمانه که قدرت‌های امپریالیستی، بی‌رقیب، به هر سو که بخواهند می‌تازند. در این زمانه که آن‌ها به راحتی و با اهرم‌هایی که در اختیار دارند، توده‌های ملت‌ها را می‌فریبند و به حساب کیسه‌های تهی شده‌ی همین ملت‌ها خرج جنگ‌ها و سرکوب کشورهای هدف می‌کنند... بهترین گزینه برای خلع سلاح کردن امپریالیسم، تقویت سازمان‌های جهانی، به ویژه سازمان ملل متحد است که می‌شود در راستای حقوق دموکراتیک ملت‌ها، عدالت، حقوق بشر، نظارت این سازمان در انتخابات هر کشوری... و سرانجام ساختارسازی نوین این سازمان برای بقا و استمرار منطقی و برقراری عدالت همگانی برای نوع بشر می‌تواند در دستور کار همه‌ی کشورها، به خصوص کشورهای هدف باشد تا در عمل این کشورها باشند که هرگونه ابزار تهاجم را از دست امپریالیست‌ها بگیرند و آنان را مجبور به اطاعت از حقوق واقعی انسان‌ها کنند.

بر اساس تمامی آنچه آمد، اگر کشور عراق با حضور، نه آمریکا، سازمان ملل موافقت می‌کرد و می‌پذیرفت که زیر نظر این سازمان انتخابات دموکراتیک داشته باشد و این سازمان برای رفع شبهه در تمام زمینه‌ها تحقیق کند، شک نباید کرد که تهاجمی علیه آن کشور صورت نمی‌پذیرفت و حاصل آن نابودی ده‌ها هزار کشته، میلیاردها دلار خسارت مالی، گسترش سرسام‌آور تروریسم جهانی و هزاران خسارت و عوارض دیگر نمی‌بود.

کشور عراق می‌توانست تمامی اهرم‌های دموکراتیک سازمان ملل را در راستای نقش

بر آب کردن دسیسه‌های امپریالیسم به کار گیرد و با استفاده از آن اهرم‌ها، افکار عمومی جهانی را متوجه نیت غارت‌گرانه‌ی امپریالیست‌ها کند و با ارایه‌ی پیشنهادهای لازم برای ساختارسازی سازمان ملل متحد، پیشگام در آغازگری یکی از بهترین شیوه‌های انسانی مناسبات بشری باشد. این پیشنهادها می‌توانست شامل این موارد باشد:

۱. ساختار سازمان ملل باید بر اساس شناخت صحیح از شرایط نوین جهانی اصلاح شود.

۲. یکی از عمده‌ترین موارد اصلاحی، مساله‌ی حق و توی پنج عضو اصلی موجود است که باید متناسب با شرایط جدید جامعه‌ی جهانی تعریف شود. حذف حق و تو با لحاظ کردن وزن آرای هر کشور نسبت به جمعیت آن بهترین گزینه به نظر می‌رسد.

۳. برای مبارزه و محو تروریسم در جهان باید مناسباتی عادلانه بین کشورهای شمال و جنوب، بر اساس منافع جهانی، تعریف شود.

۴. تمام کشورهای درگیر در جنگ موظف به پذیرش آتش‌بس فوری شوند.

۵. هیچ کشوری نباید در هیچ کشوری مداخله‌ی نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کند.

۶. هیچ کشوری به بهانه‌ی منافع ملی و ایدئولوژیکی خود حق ندارد در هیچ کشوری عامل‌های دسیسه پرورش دهد.

۷. تمام اختلاف‌های ملی در یک کشور و یا دیگر کشورها باید از طریق گفت‌وگو با داوری سازمان ملل حل و فصل شود.

۸. سازمان ملل متحد به مثابه‌ی پارلمان جهانی از قدرت اجرایی برخوردار شود.

۹. سازمان آتلانتیک شمالی، ناتو، منحل و یا با نامی دیگر تحت اداره‌ی سازمان ملل درآید و تمام کشورهای عضو به آن ملحق شوند. این نهاد به مثابه‌ی قدرت اجرایی سازمان ملل رسمیت یابد.

۱۰. اقتصاد و تجارت جهانی بر اساس نزدیک‌تر کردن فاصله‌ی کشورهای ثروتمند با کشورهای فقیر، سازماندهی، آزاد و جهانی شود.

۱۱. شوونیسم، برتری و امتیازهای ملی، نژادی، و چیزهایی از این دست در تمام کشورها ممنوع و فاقد ارزش شناخته شود.

۱۲. تمام دولت‌های عضو موظف به اجرای حقوق مدنی تعریف شده‌ی جهانی

سازمان ملل شوند.

۱۳. در تمام کشورها آزادی بیان، مطبوعات، حزب‌ها، اتحادیه‌های کارگری و... به رسمیت و به اجرا درآید هیچ‌گزینه‌ی در این امور مانع حقوق ملت‌ها نشود و به مردم هر کشور اجازه‌ی حق انتخاب داده شود.
۱۴. انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان‌ها در تمام کشورها با نظارت سازمان ملل انجام شود، چرا که مشروعیت نماینده‌ی هر کشور باید برای سازمان ملل که قدرتی فرا ملی دارد و تمام ملت‌ها را نمایندگی می‌کند اثبات و مورد تایید قرار گیرد.
۱۵. قانون‌های بازدارنده‌ی حقوق فردی و اجتماعی مردم تمام کشورهای عضو براساس حقوق شناخته شده‌ی جهانی از درجه‌ی اعتبار ساقط شود.
۱۶. حق اعتراض، مخالفت، مسالمت‌آمیز، اعتصاب، اجتماع‌های اعتراضی برای تمام مردم کشورها قانونی برقرار و رعایت شود.
۱۷. همه‌ی کشورهای عضو موظف شوند زندانی‌های سیاسی را در تمام کشورها آزاد کنند و تمام مهاجران و تبعیدی‌های سیاسی در تمام کشورها بدون هیچ‌قید و شرطی مورد عفو جهانی در کشور خود قرار گیرند.
۱۸. سازمان ملل مبارزه‌ی مسلحانه را در تمام کشورها به‌مثابه‌ی اعمال تروریستی تلقی و مبارزه با آن را به‌وسیله‌ی قدرت اجرایی‌اش اعمال کند.
۱۹. هیچ‌کشوری حق اعلام جنگ علیه هیچ‌کشوری را نداشته باشد و نباید جنگی را آغاز کند. به‌خاطر منافع جهانی، سازمان ملل باید جنگ افروز را سرجای خود بنشانند و کشور متجاوز را تنبیه کند.
۲۰. بودجه‌ی نظامی کشورها در سقف تعیین شده از طرف سازمان ملل، به‌وسیله‌ی کشورها در اختیار آن سازمان قرار گیرد و براساس استانداردهای تعریف شده از سوی سازمان ملل، در صورت نیاز، تنها نیروهای نظامی آن سازمان در کشورها مستقر شوند.
۲۱. سازمان ملل حق نظارت، قضاوت و تصمیم‌گیری و اجرا درباره‌ی تمام امور را که از تصویب آن می‌گذرد، در تمام کشورها دارا باشد.